

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۳/۹

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۹/۶/۳

آپه‌نا اسفندیاری^۱، سیدموسی دباج^۲، حبیب‌الله آیت‌اللهی^۳

ملاحظات انتقادی «تاریخ نوین هنر» در تحلیل تاریخ سنتی هنر^۴

چکیده

تاریخ هنر در کمتر از ۴۰ سال اخیر، دستخوش تحولاتی بنیادین شده، که خود از تداخل و هم‌پوشی اوضاع تاریخی، سیاسی، اجتماعی و تغییرات نهادی سرچشمه گرفته است. نتیجه این تغییرات، نقادی از امری متعارف (تاریخ سنتی و نهادی هنر)، تعیین جایگاه دانش در جامعه معاصر، و تأکید هنر امروز بر ارزش‌های اجتماعی، ثمربخش بودن دانش‌ها و تخصص‌ها و ارتباط هنر با توسعه فرهنگی و تاریخی است. پس از طرح مسئله مرگ هنر و ورود به مرحله پساتاریخی، اقتضاهای جدیدی از منظر دگرگونی در امر تاریخ هنر - برخاسته از ضرورت و تقدیری تاریخی (تعبیر هگلی) - ایجاد می‌شود و خودآگاهی تاریخی اهل هنر (هنرمند، مورخ، فیلسوف و منتقد هنر)، در نقش اجتماعی هنر تحقق می‌یابد. اهداف اصلی تحقیق عبارت‌اند از گسترش دانش نظری، تحلیل وضعیت گذشته تاریخ هنر، ارائه راه‌حل‌های جامع‌تر با توجه به اوضاع اجتماعی در دوره معاصر، و کمک به بهبود روش‌های آموزشی است. نوع تحقیق از نظر ماهیت و روش توصیفی - تحلیلی است؛ در شاخه تحقیق‌های نظری و به صورت تحقیق و تفحص در مجموعه‌ای از نظریه‌ها، رهیافت‌ها و روش‌ها، ذیل عنوانی واحد، و تحلیل و تنفیذ و داوری آنها با برداشت و نگاه تطبیقی جدید.

کلیدواژه‌ها: ضرورت تاریخی، خودآگاهی تاریخی، تاریخ نوین هنر، هنر پساتاریخی، مدرنیسم، ساختارشکنی.

۱. دانشجوی دوره دکتری، رشته پژوهش هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران
E-mail: apena_esfandiari@yahoo.com

۲. استادیار گروه مطالعات عالی هنر، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، استان تهران، شهر تهران (نویسنده مسئول)
E-mail: Dibadj@hotmail.com

۳. دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، دانشگاه شاهد، استان تهران، شهر تهران
E-mail: Habib@modares.ac.ir

۴. این مقاله برگرفته از رساله دکتری آپه‌نا اسفندیاری با عنوان: تحقیق، تفسیر و تحلیل پدیده «تاریخ نوین هنر» در دوره معاصر است که به راهنمایی استادان محترم جناب آقای دکتر سیدموسی دباج (راهنمای اول) و جناب آقای دکتر حبیب‌الله آیت‌اللهی (راهنمای دوم) و مشاوره استاد ارجمند جناب آقای دکتر یعقوب آژند در دست انجام است.